

## ازدواج و طلاق در ایران عصر قاجار از منظر سفرنامه‌های خارجی

حسن مجربی<sup>۱</sup> مهرداد دیوسالار<sup>۲</sup> علی غلامی فیروزجایی<sup>۳</sup>

(دریافت: ۱۳۹۷/۹/۷ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۲۹)

### چکیده

ایران عصر قاجار شاهد حضور اروپاییان با مقاصد گوناگون تجاری، سیاسی، مذهبی، نظامی و گردشگری بود. سفرنامه‌نویسان اروپایی به دلایل مختلف از جمله نگاه بیرونی به جامعه ایرانی، حس کنجکاوانه غربی و غیره، مطالب ارزشمندی درباره فرهنگ عامه ایرانیان، اعم از باورهای فکری و اعتقادی و همچنین، آداب و رسوم مردم ایران عصر قاجار، در اختیار محققان تاریخ فرهنگی و اجتماعی دوره قاجار قرار داده‌اند. برای نمونه، می‌توان به نگاه ایرانیان به ازدواج و طلاق اشاره کرد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی پاسخی است به این پرسش که سفرنامه‌نویسان اروپایی عصر قاجاری یکی از مهم‌ترین آداب و رسوم ایرانیان و جوه بارز هویتی ایرانیان یعنی ازدواج و طلاق را چگونه ترسیم کرده‌اند؟ یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که سیاحان اروپایی بیشتر به توصیف آداب و رسوم ایرانیان در امر ازدواج و طلاق پرداخته و در این زمینه اطلاعات ارزشمندی از اوضاع اجتماعی ایران ارائه داده‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** سفرنامه‌های خارجی، زنان دوره قاجار، ازدواج، طلاق.

۱. دکتری تاریخ اسلام، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول).

\*mojarabi398@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه بین‌المللی قزوین.

۳. دکتری دانشگاه مذاهب اسلامی، مدرس دانشگاه بین‌المللی قزوین.

## مقدمه

در عصر قاجار سیاحان بسیاری از اروپا به ایران مسافرت کرده بودند که دلیل حضور آنان، رویدادهای مهمی بود که از عصر ایلخانی آغاز شده بود و در دوران صفویه در اوج بود. از این زمان به بعد جز در دوران کوتاه افشاریه و زندیه، مسافرت‌های اروپاییان افزایش داشته است. این مسافرت‌ها گاه به صورت سیاحت شخصی و گاه به صورت هیئت‌های اعزامی از سوی قدرت‌های اروپایی انجام می‌شد. مسافران اروپایی با عناوین مختلفی نظیر تاجر، دانشمند، مبلغ مذهبی و سفیر سیاسی وارد ایران می‌شدند که هر چند دغدغه اصلی آنان مسائل سیاسی بود، به مسائل فرهنگی و اجتماعی ایرانیان نیز علاقه نشان می‌دادند. از این رو، می‌توان فرهنگ عامه مردم اعم از باورهای فکری و اعتقادی و همچنین، آداب و رسوم دینی مردم ایران عصر قاجار را از لابه‌لای یادداشت‌های ایشان مشاهده و استخراج کرد. به عبارتی دیگر، در عصر قاجار مأموران خارجی علاوه بر انجام فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی در ایران به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی این سرزمین نیز توجه ویژه‌ای داشته‌اند. همان‌طور که از تاریخ‌ها و منابع دوره‌های مختلف از جمله دوره قاجاریه مشخص است، بیشتر تاریخ‌های نگارش‌یافته ما بر مبنای تحولات سیاسی هستند. از این رو، کم‌تر به مباحث اجتماعی توجه شد. هر چند درباره دوره مورد مطالعه حسب حال‌ها بهترین مخزن تاریخ اجتماعی به‌شمار می‌آیند؛ ولی در مباحث منابع تاریخ اجتماعی دوره قاجار، کم‌تر به وضعیت توده‌های مردم و نیز نقش و جایگاه زنان و در رأس آن موضوع ازدواج و طلاق پرداخته شده است. بنابراین، درباره پیشینه پژوهش حاضر و در باب وضعیت ازدواج و طلاق در ایران عصر قاجار در مهم‌ترین سفرنامه‌نویسان اروپایی، باید گفت متأسفانه در منابع تاریخی ما کم‌تر به مقوله ازدواج و طلاق اشاره شده است و اطلاعات محدودی که از این منابع به‌دست می‌آید، نه تنها ناچیزتر از آن است که حتی اطلاعات دقیقی در خصوص این مقوله در دربار و طبقات سیاسی و اجتماعی بالای جامعه در اختیار ما قرار دهند؛ بلکه از طبقات متوسط و پایین جامعه ذکری به میان نیاورند. بخش عمده‌ای از اطلاعات ما درباره مقوله ازدواج و طلاق به‌ویژه بین طبقات پایین‌تر و توده جامعه، از زمانی آغاز می‌شود که سیاحان خارجی به ایران سفر کردند و در گزارش‌ها و سفرنامه‌های خود بنا به مناسبت‌هایی مطالبی درباره زنان و موضوع ازدواج و طلاق نوشتند. بخش مهمی از پیشینه این پژوهش را تحقیقات معاصر به خود اختصاص داده است که به بررسی یادداشت‌ها و نگاه سفرنامه‌نویسان خارجی در زمینه مسائل فرهنگی و اجتماعی ایران دوره قاجار پرداخته‌اند. از میان این دسته از تحقیقات می‌توان به پایان‌نامه‌هایی با عناوین *بازنمایی*

ازدواج و طلاق در ایران عصر قاجار از منظر... \_\_\_\_\_ حسن مجربی و همکاران

فرهنگ و مردم ایران در آثار سفرنامه‌نویسان اروپایی (فرانسه، انگلیس و آلمان) از اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه تألیف کامران حمائی، بررسی تطبیقی حیات اجتماعی شیراز عصر قاجار به روایت‌های سفرنامه‌نویسان خارجی تألیف صفورا طیبی، بررسی نگاه سفرنامه‌نویسان اروپایی به فرهنگ دینی ایرانیان در دوره قاجار تألیف مهرداد دیوسالار و معرفی شیعیان در سفرنامه‌های خارجی عصر قاجار تألیف محمدرضا علی‌عسگری اشاره کرد.

به‌منزله یک پژوهش تاریخی با مبنای فرهنگی و اجتماعی، با مطالعه دقیق و مقایسه این سفرنامه‌ها با یکدیگر و نقد و بررسی یادداشت‌های آنان درمورد فرهنگ عامه ایرانیان، می‌توان دریافت که سفرنامه‌نویسان اروپاییان که به جهات مختلفی به نگارش دیده‌ها و شنیده‌های خود پرداخته‌اند، اطلاعات ارزشمندی را از اوضاع اجتماعی ایران در دوره قاجار به‌داده‌اند. زنان و مسائل مربوط به آن‌ها از جمله مواردی است که سفرنامه‌نویسان اروپایی در یادداشت‌هایشان، بدان پرداخته‌اند. از موارد مورد توجه در این سفرنامه‌ها درمورد زنان می‌توان به بحث ازدواج زنان ایرانی که به دو صورت عقدی و صیغه‌ای در ایران رواج داشت و همچنین، نوع طلاق و شرایط آن اشاره کرد. در این پژوهش سعی بر آن است تا نظرات سفرنامه‌نویسان اروپایی را نسبت به وضعیت ازدواج و طلاق در دوره قاجار نقد و بررسی شود. سفرنامه‌نویسان اروپایی به دلایلی چند از جمله، عدم تعصب در بیان واقعیت‌ها نسبت به فرهنگ غیر، ارتباط با طبقات و اقشار و توده‌های مختلف جامعه ایران عصر قاجار، حس کنجکاوانه غربی در شناخت فرهنگ‌های جدید، نگاه تزیینانه برای فهم زوایای گوناگون و ریشه‌های فرهنگ‌شناختی جوامع شرقی و جزء این‌ها، توانستند اطلاعات بسیار ارزشمندی از زنان طبقات مختلف جامعه ایران عصر قاجاری و مسائل فرهنگی - اجتماعی مربوط به آن‌ها از جمله ازدواج و طلاق را در اختیار ما قرار دهند. پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که وضعیت دو متغیر ازدواج و طلاق در سفرنامه‌های اروپاییان عصر قاجاری چگونه ترسیم شده است؟

### بررسی ازدواج و شرایط آن در ایران عصر قاجار از دیدگاه سفرنامه‌های خارجی

از جمله آداب و رسومی که سفرنامه‌نویسان اروپایی در بررسی‌هایشان در مورد فرهنگ دینی ایرانیان به آن اشاره کرده‌اند، مسئله ازدواج است. در این راستا جامعه ایرانی عصر قاجار موظف بودند طبق قواعد و سنن مربوط به ازدواج عمل کنند؛ همچنان‌که ایرانیان همچون سایر ملل در امر ازدواج و نگاهشان به این مسئله و برگزاری آن، آداب و رسوم مخصوص به‌خود را

دارند به طوری که این امر توانسته است توجه سفرنامه‌نویسان اروپایی را جلب کند. گزارش‌های این دسته از نویسندگان حاکی از آن است که این مراسم طبق آداب و رسومی خاصی انجام می‌شد. از گزارش‌های برخی از سفرنامه‌های موجود چنین برداشت می‌شود که این مراسم از دید آن‌ها کاملاً منطبق بر شرایط اسلامی و قرآنی است (پاتینجر، ۱۳۸۴: ۷۰). به گونه‌ای که سعی می‌شد، تمام شرایط آن ساده و دور از هر گونه اسراف و افراط برگزار شود (دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۵۲).

از دیدگاه سفرنامه‌نویسان نکته مهم نسبت به این امر، آن است که آن‌ها معتقدند روابط جنسی نزد مسلمانان مخصوصاً ایرانیان، ارج و قرب خاصی دارد، به طوری که آن‌ها به این مسئله به چشم پیش درآمد و منبع پایان‌ناپذیر لذت و سرمستی می‌نگرند که در جهان دیگر نیز ادامه خواهد یافت (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۳۸). بر این اساس که ایرانیان همچون دیگر مسلمانان، به جز با محارم، با هر زن دیگری می‌توانند ازدواج کنند. در این میان، ازدواج میان دو نفری که از یک زن شیر خورده باشند نیز منع شرعی دارد (همان، ۱۳۹). گزارش‌های برخی از سفرنامه‌نویسان از علاقه بسیار مردان ایرانی دوره قاجار به ازدواج و به‌ویژه تعدد زوجات حکایت می‌کند (پاتینجر، ۱۳۸۴: ۶۵ - ۶۶؛ دروویل، ۱۳۷۰: ۶۸). نکته مهم اینکه معمولاً این نوع ازدواج‌ها در طول سفر انجام می‌شد؛ یعنی پس از پایان یافتن سفر، دوره آن به سر می‌آمد (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۴۶). این نوع ازدواج در محل توقف کاروان‌ها و بیشتر میان مردم فقیر رایج بود (موزر، ۲۵۳۶: ۲۱۷).

در این زمینه نیز بینگ و پولاک معتقدند که در ایران ازدواج به دو صورت بود:

۱. ازدواج دائمی: در این نوع ازدواج هر ایرانی مسلمان بر اساس مذهب خود مجاز به داشتن و اختیار کردن چهار زن بود.
۲. ازدواج صیغه‌ای: این نوع ازدواج که در ایران مرسوم بود به آن صیغه یا متعه می‌گفتند که بر اساس آن یک مرد اجازه داشت، تعدادی نامشخصی زن اختیار کند. قرارداد این نوع ازدواج موقتی بوده و زمان آن از یک ساعت تا نودونه سال قابل تغییر بود و از جهت شرایط، همانند ازدواج دائم بوده است (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۴۵؛ Binning, 1857: 2/ 400).

در مورد سن ازدواج ایرانیان نیز گزارش‌هایی از سفرنامه‌نویسان در دست است که از پایین بودن سن ازدواج در میان ایرانیان دوره قاجار، مخصوصاً در میان دختران، حکایت می‌کند؛ به گونه‌ای که بیشتر بچه‌ها را که هنوز در گهواره بودند، برای هم نامزد می‌کردند. هر چند این

ازدواج و طلاق در ایران عصر قاجار از منظر... \_\_\_\_\_ حسن مجربی و همکاران

مطلب، بیشتر بین دخترعمو و پسرعمو، دخترخاله و پسرخاله و دختردایی و پسرعمه از زمان تولد انجام می‌شد. در این ازدواج‌ها گفته می‌شد، تقدیر آسمانی شرایط ازدواج بین آن دو نفر را فراهم می‌کرد و آن‌ها را زوج یا زوجه یکدیگر قرار می‌داد (ویلس، ۱۳۶۳: ۱۰۴). هانری رنه دالمانی درباره سن پایین ازدواج می‌گوید:

در ایران، معمولاً کودک را در سن ۳ یا ۴ سالگی به نامزدی معین می‌کنند. این امر بیشتر در خانواده‌های سلطنتی وجود دارد و معمولاً دختر را در سنین ۱۱ تا ۱۲ سالگی شوهر می‌دهند و در برخی مواقع، دوشیزه‌ای کودک را به مرد مسنی می‌دهند. مراسم بدین گونه است که پس از مراحل خواستگاری، ملاها خطابه‌ای برای مشروعیت ازدواج می‌خوانند و پس از کسب رضایت در قباله قید می‌کند. موه‌ای پیشانی دختر را به نشانه شوهردار شدن کوتاه می‌کنند (۱۳۳۵: ۲۵۲).

پولاک در همین زمینه می‌گوید:

طبق قوانین و مقررات، دختر باید بعد از رسیدن به سن بلوغ، یعنی با شروع حیض و هنگامی که موی زیر بغل و زهار شروع به رویدن کرده باشد، شوهر کند. هر چند طبقات ضعیف‌تر به این اصل پایبند نیستند. رضایت ملا را هم به سختی می‌شود خرید. من خود بارها گواه بودم که دختری قبل از شروع قاعدگی باردار شده است (۱۳۶۱: ۱۴۲).

فورو کاوا (۱۳۸۴: ۱۹۶) از اعضای هیئت هفت‌نفره تجاری ژاپنی در ایران با تعجب سن بلوغ و ازدواج برای دختر را هشت سالگی می‌داند. او می‌نویسد: «پیش‌تر شنیدم که سن ازدواج در نواحی گرمسیر پایین‌تر از نواحی سردسیر است. با این همه، ازدواج دختر ۸ تا ۹ ساله غریب به نظر می‌آید.

درباره آداب و رسوم و برگزاری مراسم ازدواج باید گفت، طبق گزارش سفرنامه‌نویسان، آداب ایرانیان دوره قاجار در برگزاری مراسم ازدواج به این صورت بود که در روز عقدکنان، داماد همراه پدر و مادرش با یک آخوند به منزل عروس می‌رفت. آخوند از عروس که در پشت پرده زنبوری در اتاق مجاور نشسته و از نظرها پنهان بود، می‌پرسد که آیا حاضر است مردی را که در مقابل خود می‌بیند به شوهری قبول کند؟ پس از دریافت جواب مثبت همین پرسش را از داماد می‌پرسد. با این تفاوت که داماد شخصی را که راضی به ازدواج با اوست نمی‌بیند. پس از قبول داماد آخوند به خواندن ادعیه خواص زناشویی می‌پردازد و به این ترتیب تشریفات پایان می‌گیرد (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۰۹). عده‌ای مطرب، آوازخوان و رقص هم در جشن نامزدی دعوت می‌شدند. زن‌های رقص فقط در حرم‌سراها و در حضور زن‌ها برنامه

اجرا می‌کردند. موکب عروس - در حالی که دسته موزیک و رقاصان در جلو در حرکت هستند - قبل از رسیدن به خانه داماد، دور شهر گردانده می‌شدند. تفریحات و ساز و آواز تا شب ادامه پیدا می‌کرد. مطرب‌ها و آوازخوان‌ها و رقاصه‌ها که مجلس جشن را رونق می‌دادند، در بیرونی مستقر می‌شدند و در آنجا بیشتر به مدت یک هفته، شبانه‌روز و بی‌وقفه می‌نواختند (همان، ۱۰۸ - ۱۱۰). عرف و مذهب مانع کام گرفتن کامل داماد بود؛ زیرا قبل از سه‌شبانه‌روز نمی‌توانست مجدد به زنش نزدیک شود. این عمل خارق‌العاده را ایرانی‌ها این‌گونه توجیه می‌کردند که اگر زن در این لحظه آبستن شود، بچه‌ای که به دنیا می‌آید از خون است (همان، ۱۱۲). طبق آداب و رسوم، داماد باید به دست خود نقاب از چهره عروس بردارد. از این رو، داماد به محض ورود چادر را از سر عروس می‌گرفت و چون اولین بار بود که صورت عروس را می‌دید، این زمان بحرانی‌ترین لحظات برای عروس بود. چنانچه عروس نیک‌بختی این را نداشته است که مورد پسند داماد واقع شود، داماد بی‌آنکه سخنی بر زبان آورد، فوراً از اتاق خارج می‌شد و همه مفهوم آن را می‌فهمیدند. در این حال عروس را فوراً به خانه پدر و مادرش باز می‌گرداندند؛ ولی چنانچه عروس مورد پسند قرار گرفت، داماد در کنارش می‌نشست و به او قول می‌داد تا همیشه دوستش داشته باشد. اطرافیان محل را ترک می‌کردند و کنیزان حجله را آماده می‌کردند و می‌رفتند. فقط افراد مسن برای راضی کردن زن به عمل زفاف می‌ماندند. راضی کردن عروس کار بسیار سختی بود. گاهی پیش می‌آمد که راضی کردن عروس ساعت‌ها طول می‌کشید. از نظر ایرانیان شتاب در برآوردن دلخواه داماد نوعی سبکی محسوب می‌شد و از این‌رو، برخی مواقع ماه‌ها طول می‌کشید تا عروسی به این امر رضایت دهد (همان، ۱۱۳).

کنیز سالخورده نخست پارچه بزرگ سفیدی پهن می‌کرد. این پارچه که گواه عفت عروس است به خانواده عروس بازگردانده می‌شد. سپس کنیز مزبور خارج اتاق خواب می‌ماند تا آنچه را که در آنجا اتفاق افتاده است، بشنود و به مجرد آنکه اطمینان پیدا کرد عمل زفاف صورت پذیرفته است، وارد اتاق می‌شد و بی‌توجه به زمان، پارچه را می‌گرفت و به پدر و مادر عروس می‌داد و چون نشانه پاکدامنی دخترشان بود، آن را با غرور از او می‌گرفتند (همان، ۱۱۱). وقتی دختری ازدواج می‌کرد، باید دست‌نخورده یا به عبارتی دیگر، دختر باکره باشد و در مورد فقدان بکارت هیچ عذری پذیرفتنی نبود (پولاک، ۱۳۶۱، ۱۵۱). بنا بر قول دروویل این رسم از دوران باستان در ایران رایج بوده و در بیشتر آسیا و حتی در برخی شهرهای روسیه هم مرسوم بود و فقط برخی افراد طبقات بالا بودند که تا این اندازه مقید به این سنت نبودند (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۱۰). در شب اول ازدواج، نزاکت و آداب حکم می‌کرد که مرد با خشونت حجاب را

ازدواج و طلاق در ایران عصر قاجار از منظر... \_\_\_\_\_ حسن مجربی و همکاران

از دختر بردارد و هنگامی که حجاب را برداشت با صدای بلند بگوید «بسم الله الرحمن الرحيم» (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۴۹) که خود نشان از رخنه کردن مذهب در تمامی سطوح زندگی ایرانیان دوره قاجار دارد. گزارش سفرنامه نویسان عصر قاجار نشان از آن دارد که مراسم عروسی و عقدکنان ایرانیان دوره قاجار با رقص و شادی همراه بود. عده‌ای در میان جمعیتی که به این مراسم دعوت می‌شدند، می‌رقصند؛ ولی باید متذکر شد که هرگز زنان با مردان یک‌جا با هم جمع نمی‌شدند. مردان در مجلس جداگانه و برای زنان نیز مجلس جداگانه‌ای فراهم می‌شد (اولیویه، ۱۳۷۱: ۸۳).

نکته مشابه دیگری که در بیشتر سفرنامه نویسان خارجی به آن اشاره شده است، رسم تعدد زوجات بین مردان ایرانی است. لیدی شیل همسر وزیر مختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه در این باره می‌گوید:

زنان روستایی وضع به مراتب بهتری از زنان شهری دارند؛ چون اغلب خواسته‌های آنان به وسیله شوهرانشان اجابت می‌شود و طلاق در میانشان کم‌تر اتفاق می‌افتد و مردان هم بیشتر از یک زن نمی‌گیرند؛ ولی در شهرها موضوع به صورت دیگری است (شیل، ۱۳۶۲: ۸۷).

به گونه‌ای که کارلاسرنا در سفر خود به روستایی که برای قشلاق به آنجا رفته بود، با مرد دهقانی که سه زن به طور هم‌زمان داشته رویارویی می‌شود و در مورد آن‌ها می‌نویسد: صاحب‌خانه قشلاق ما سه زن داشت و این تجملی است که دهاتی‌ها کم‌تر خود را در داشتن آن مجاز می‌دانند. سالمندترین این زنان حکم مادر دوتای دیگر را داشت که خواهر بودند. از عجایب اتفاقات آنکه هر یک از زن‌ها پسری شیرخواره داشت. (۱۳۷۲: ۳۰۶).

کارلاسرنا داشتن زنان متعدد را در روستا از تجملات می‌داند؛ زیرا معتقد است مردان روستا دارای چنان درآمد بالایی نیستند که بتوانند مخارج چند زن را به عهده بگیرند؛ ولی اگر توانمندی پیدا کنند قطعاً دارا بودن زنان متعدد را ترجیح می‌دهند؛ ولی شیل در مورد مردان روستایی معتقد است، این مردان تمایلی به گرفتن زن متعدد ندارند و از این لحاظ، وضعیت زنان روستا بهتر از شهریان است؛ ولی به نظر می‌رسد که میان طوایف و قبایل ایران این گونه نبوده است؛ چنان‌که یزابلا برد بیشاپ و اولیویه گیوم انتوان، همانند دیدگاه و نوشته کارلاسرنا معتقدند که در میان طوایف بختیاری، مردان این طوایف زنان متعددی داشتند. بعضی از مردان در صورت داشتن توان مالی دو، سه یا حتی چهار همسر اختیار می‌کردند و تعداد زوج‌ها به

اعتبار آن‌ها می‌افزود؛ زیرا داشتن چندین همسر، پسران و دختران بسیاری را به‌همراه داشت (بیشاپ، ۱۳۷۵: ۲۱۷؛ اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۵۹).

همسرگزینی در ایران از کارهای پرخرج به‌شمار می‌آمد. بنابراین، اگر آمارگیری از ازدواج‌ها ممکن بود، این مسئله روشن می‌شد که شمار مردانی که در یک زمان بیش از یک همسر داشته‌اند، بی‌نهایت کم بوده است و شاید این مردان از دو درصد بیشتر نبوده‌اند (گرگور، ۱۳۶۶: ۲۶۱). البته، اشاره شده است که در ایران با توجه به فقر کشور و شاید در نتیجه رفتار همسران مرد که رقیب هم بودند و به عبارت بهتر هووها، تا حدودی تعدد زوج‌ها کم شد و حتی بیشتر ایرانیان نیز می‌گفتند این رسم دیگر از مُد افتاد (Sykes, 191۰: ۷۵)؛ چنانکه کازاما، سفرنامه‌نویس و وزیر مختار ژاپن در عصر ناصرالدین شاه، در سفرنامه خود می‌نویسد:

امروزه در ایران، مرد هنوز مجاز است که چند زن داشته باشد. شرط یادشده در قرآن این است که مرد باید با زن‌های متعدد خود به انصاف و مساوات سلوک کند؛ اما بسا که مرد نمی‌تواند یک زن را هم خوب راه ببرد و بسیار سخت است که چند زن را با انصاف اداره کند. از این رو، شمار مردانی که چند همسر دارند کم شده است. در سال ۱۹۳۲/۱۳۱۱ قانون ازدواج اصلاح شد و اصل برای مردان تک‌همسری شد. اگر مردی وضع خاص داشته باشد، با گرفتن تصدیق‌نامه و مجوز استثنای می‌تواند زن دوم بگیرد (۱۳۸۰: ۱۴۵).

گروهی دیگر از سفرنامه‌نویسان معتقدند، مسلمانان ایران در باب تعدد زوجات طبق قانون اسلامی خود پایبند به اختیار کردن حداکثر چهار زن دائم هستند به‌نوعی که در بخارا شخصی به‌نام مظفرالدین خان زندگی می‌کرد که سخت پایبند به آداب مذهبی بود. او چهار زن عقدی و حدود بیست خادمه زرخرید در حرم خود داشت (وامبری، ۱۳۳۷: ۲۰۲). ایرانی‌ها تا آن اندازه که قدرت مهریه دادن و نگهداری از زن را داشته باشند، همسر اختیار می‌کنند و این بدون در نظر گرفتن کنیزهای جوان است که خریداری می‌کنند. این کنیزها اگر بچه‌دار شوند به‌منزله زن صیغه‌ای می‌توانند تلقی شوند (پاتینجر، ۱۳۸۴: ۶۵ - ۶۶؛ دروویل، ۱۳۷۰: ۶۸). ویلز (۱۳۶۸: ۷۹). پزشک انگلیسی عصر قاجار معتقد بود، از آنجا که زردشتیان بیش از یک زن نمی‌گرفتند، سعادت زناشویی آن‌ها از مسلمانان بیشتر بود.

هانری رنه دالمانی (۱۳۳۵: ۲۶۷) نیز در این باره می‌گوید: «قانون و مذهب ایرانیان به آن‌ها اجازه می‌دهد تا برای رفع زنا و فحشا ازدواج موقت نمایند و این مسئله کاملاً از نظر مذهب برای مردان ایرانی مشروع است. این مسئله بیشتر در مورد طبقات بالای جامعه شایع بود. به‌گونه‌ای که شاه می‌تواند به میل خود هر دختر و زنی را که به هر طبقه‌ای تعلق دارد، تصاحب



ازدواج و طلاق در ایران عصر قاجار از منظر... \_\_\_\_\_ حسن مجربی و همکاران

کند. این اقدام نه تنها سبب نارضایی نمی‌شود؛ بلکه به‌سان امتیازی نیز تلقی می‌شود (همان، ۲۶۹). برای نمونه، فتحعلی‌شاه به‌قدری همسر و هم‌خوابه (عقدی - صیغه‌ای) داشته است که شصت سال پس از مرگش، احفاد ذکورش که در آن تاریخ زنده بودند به ششصد تن می‌رسید (هاردینگ، ۱۳۷۴: ۷). شمار زن‌های حرم ناصرالدین‌شاه نیز ۴ زن عقدی و ۱۰۶ زن صیغه‌ای بود (کاساگوفسکی، ۱۳۴۴: ۹۵). خواجه‌باشی در مواقعی که از سوی مخبرینش از وجود دختران زیبایی در فلان نقطه کشور آگاه می‌شود و به آن نقاط سفر می‌کند و والدین دختر را به‌نحوی وادار می‌کند دختر خود را به حرم‌سرای شاهی بفرستد (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۹۶). هر چند دامادهای شاه از گرفتن زنان دیگر حتی کنیزکان جوان محروم بودند (همان، ۱۵۱).

بنا بر گفته جرج ناتالی کرزن صیغه‌خانه یا فاحشه‌خانه‌های شرعی جایگاه مخصوصی هستند که زوار در آنجا به خوش‌گذرانی می‌پردازند؛ به این معنی که زوار بیچاره پس از پیمودن کویرهای سوزان ریگزارها، نمک‌زارها، ده‌های ویران و شهرهای خراب با پای پیاده یا قاطر‌سوار به مشهد می‌رسد و وقتی چشم به آن همه جواهر و طلاجات و کاشی‌کاری حرم می‌افتد بی‌اختیار روحش تازه می‌شود و زندگی را از سر می‌گیرد و در خود نشاط بی‌اندازه احساس می‌کند. صیغه‌زوجه‌های سفری از یک ساعت تا ۹۹ سال تحت تأثیر و تصرف زوار هستند. فقط ملا باید قرارداد را تدوین کند و شرایط معامله را سریعاً بنویسد و حق‌الزحمه خویش را دریافت کند و زن و شوهر را به‌هم بسپارد (کرزن، ۱۳۷۳: ۳۸ - ۳۹). مردان در طول مسافرت‌های دراز زنان را با خود نمی‌برند و به‌جای آن صیغه می‌کنند. مثلاً در کرمان کسانی هستند که برای هر تازه‌واردی که قصد چند روز ماندن را دارد زنان صیغه‌ای عرضه می‌کنند (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۴۶)؛ اما کردها مانند دیگر مسلمانان زن‌های متعدد اختیار نمی‌کنند و با اینکه آیینی که پیرو آن هستند به آن‌ها اجازه داد تا ۴ زن بگیرند. به‌ندرت اشخاصی دیده می‌شوند که بیش از یک زن داشته باشند (دروویل، ۱۳۷۰: ۲۳۱).

در مورد علاقه ایرانی‌ها به زنان، می‌توان گفت عموماً آن‌ها زن‌های خارجی به‌ویژه زن‌های گرجی را ترجیح می‌دادند و بی‌قیدی و سهل‌انگاری آن‌ها را بر زرنگی و چالاکی زن‌های ایرانی ترجیح می‌دهند (همان، ۲۳۴). تعدد زوجات چنان در آن زمان شایع بود که زنان ایرانی نیز به این مسئله عادت کرده بودند. کارلاسرنا در مشهدسر (بابلسر)، در اندرونی خانه کدخدا با دو زن وی آشنا شد که بدون هیچ مشکلی در کنار هم زندگی می‌کردند و هر دو در حال شیر دادن فرزندان‌شان بودند. طبق شرع اسلام وی دو زن دیگر نیز می‌تواند بگیرد (کارلاسرنا، ۱۳۷۲: ۱۲).

در مورد روابط جنسی، آنچه بیشتر به چشم می‌خورد، وجود حرم‌سرا در ایران است. حرم‌سرا بنای مجزا و مستقلی است که به وسیله دیوارهای بلند محصور شده است و در آنجا زن‌ها و بچه‌ها زندگی می‌کنند؛ ولی خلاف آنچه بسیاری از مردم تصور می‌کنند، شباهتی به زندان ندارد و حرم‌سراهای ثروتمندان را می‌توان بی‌چون و چرا با بهشت واقعی روی زمین مقایسه کرد؛ زیرا گذشته از شمار زن‌های زیبا که در آن به سر می‌برند، حرم‌سراها آکنده از اشیای گران‌قیمت است. حیاط‌های بزرگی که عموماً باغ‌های بسیار زیبایی هستند. حرم‌سرا را از بنای مخصوص مردان مجزا می‌کنند. هر یک از زنان اتاق مخصوص به خود دارند. مردان ایرانی تنها در حرم‌سراها خود را آزاد احساس می‌کنند. ایرانی‌ها چنانچه میهمان‌های برجسته‌ای نداشته باشند، همواره در حرم‌سرا با زن‌ها و بچه‌های خود غذا می‌خورند و چنانچه بخواهند کسی را در سفره خود شریک می‌کنند، این افتخار منحصرأ نصیب زن اول - که عنوان بیوک خانم (خانم بزرگ) را دارد - می‌شود. آن‌ها حتی می‌توانند با کنیزانشان نیز هم‌بستر شوند. کنیزها از لحظه هم‌بستری با صاحبانشان، از حالت بردگی خارج می‌شوند و در صورتی که این خوشبختی را داشته باشند که فرزندی را به دنیا آورند، حتی به مقام زن‌های صیغه‌ای هم دست می‌یابند. تالار بزرگ حرم‌سراها اختصاص به رئیس خانواده دارد و در آنجاست که غذا می‌خورد و بیشتر هم محل تجمع همه زن‌هایش نیز است. آقای خانه که معمولاً دیر به رخت‌خواب می‌رود، به وسیله اشاره چشم، یکی از زن‌ها یا کنیزان را - که باید شب را با او بگذرانند - تعیین می‌کند (دروویل، ۱۳۷۰: ۷۴ - ۶۷).

کنیزها علاوه بر وظایفی که در برابر خانم‌هایشان دارند، هر یک مسئول کار به‌خصوصی در حرم‌سرا هستند. آن‌هایی که در رقص و آواز مهارت دارند، بعضی اوقات برای سرگرمی رئیس خانواده هنرنمایی می‌کنند. در این فرصت‌ها کنیزها حساس‌ترین حرکاتی را که بتوانند توجه آقا را جلب کنند انجام می‌دهند (همان، ۶۹). شاه هیچ‌وقت حرم‌سرایش را ترک نمی‌گوید و در حرم‌سرا تعداد زیادی خواجه است که دقیقاً مراقب بر آوردن کوچک‌ترین تمایلات او هست. فقط پسران شاه آن هم هنگامی که احضار شوند حق ورود به حرم‌سرا را دارند. هیچ‌یک از زنان حق نشستن در حضور او را ندارند و به‌ندرت چنین اجازه‌ای را حتی به همسر اولش که مقام ملکه را دارد می‌دهد (همان، ۱۵۰).

فضای حاکم بر حرم‌سراها به‌گونه‌ای بود که هیچ بیگانه‌ای حق ورود به آنجا را نداشت، به‌گونه‌ای که وقتی اوژن برای اولین بار به اندرون شاهزاده رفت، زنان حرم از حضور این بیگانه نامحرم به اندرون وحشت کردند و از برابر چشم او گریختند؛ لیکن رفته رفته با حضور این

ازدواج و طلاق در ایران عصر قاجار از منظر... \_\_\_\_\_ حسن مجربی و همکاران

غریبه‌فرنگی در میان خود خو گرفتند و کم‌کم شروع به باز کردن چادرها و چارقد خود کردند. اندکی بعد سر و صورت خود را آشکار کردند (تورنتن، ۱۳۷۴: ۲۳)؛ اما در مجموع، باید گفت، با توجه به نوشته‌های این سفرنامه‌نویسان، ازدواج در میان ایرانی‌ها بسیار ساده انجام می‌شد و دختران ایرانی به‌طور معمول نیز در چهارده یا پانزده‌سالگی ازدواج می‌کردند (Binning, 1857: 2/ 402). این امر را باید در راستای رفتار اجتماعی ایرانیان برای محفوظ ماندن فرزندان خود از فساد اخلاقی و عمل به سنت اسلامی تعبیر کرد که در سنین کم فرصت ازدواج آن‌ها را فراهم می‌کردند. در آن دوره مادران برای پسران خود دختر انتخاب می‌کردند. این امر نیز دارای مراحل بود. زمانی که پسری به سن ازدواج می‌رسید، والدین او مشغول مهیا کردن عروسی برای او می‌شدند. به‌طور معمول پسران ایرانی هرگز روی هیچ خانمی، به‌جز خویشاوندان خود را نمی‌دید و باید انتخاب دختر را به مادر خود واگذار می‌کردند؛ مگر اینکه آن پسر با دخترعمو، دختردایی، دخترعمه یا دخترخاله خود ازدواج می‌کرد (Sykes, 1910: ۷۴).

#### بررسی طلاق و شرایط آن در ایران عصر قاجار از دیدگاه سفرنامه‌های خارجی

طلاق از دیگر آداب و رسوم موجود در ایران از جمله عصر قاجار بوده است. به‌گفته‌ی ویلس (۱۳۶۳: ۱۲۲)، در ایران عصر قاجار همچون کشورهای اروپایی، طلاق گرفتن مشکل بود؛ زیرا برخی مقررات و توافق ضمن عقد و نیز موضوع مهریه و حتی فقر دو طرف کار را دشوار می‌کرد؛ اما اگر زن و مرد بنا به موقعیتی که داشتند و به‌دلیل ناسازگاری با یکدیگر ترجیح می‌دادند از هم جدا شوند، کار طلاق با تکرار جملاتی به‌آسانی و از سوی شوهر به‌راحتی انجام می‌شد (لایارد، ۱۳۷۶: ۱۰۸). در ایران چنانچه مرد همسرش را طلاق می‌داد، باید مهریه‌اش را می‌داد؛ اما زمانی‌که زن دادخواست طلاق می‌کرد، مهریه به او داده نمی‌شد (Binning, 1857: 2/ 403 - 404).

در نظام خانوادگی دوران قاجار، حق طلاق با مردان بود. درخواست طلاق از سوی مرد، با بهانه و یا بدون هیچ بهانه‌ای برای اجرای آن کافی بود. نازایی و خروج از جاده عفاف، از عمده‌ترین دلایل طلاق زنان بوده است. در پاره‌ای مواقع، عیوب جسمی، مانند نابینایی نیز می‌توانست مرد را به طلاق زن سوق دهد. گاه نیز بدقدم بودن زن به هنگام ورود به خانه همسرش می‌توانست دلیل طلاق باشد. بدین معنی که هم‌زمان با ورود او به خانه همسرش، حوادث شومی در آن خانه روی داده باشد. زن در موارد خاصی چون عدم دریافت نفقه از مرد، انحرافات اخلاقی و یا ناتوانی جنسی مرد می‌توانست درخواست طلاق کند. با وجود

مجاز بودن طلاق، این امر به ندرت رخ می‌داد. در عرف اجتماعی، بازگشت زن به خانه پدری با نكوهش بسیار همراه بود. زن پس از رفتن به خانه همسر، به هر مسئله‌ای تن می‌داد تا از ننگ بازگشت به خانه پدری در امان باشد. ویشارد (۱۳۶۳: ۲۲۱)، پزشک امریکایی عصر قاجار، نیز می‌نویسد:

طلاق امری بسیار عادی است و به هیچ وجه برای مردان کسر شأنی به شمار نمی‌آید؛ اما در مورد زنان چنین نیست؛ زیرا اگر او از طبقات مرفه و ثروتمند هم باشد هرگز نمی‌تواند در ازدواج مجدد شوهری از لحاظ شرایط سنی و موقعیت اجتماعی هم‌تراز اولی به دست آورد و دیگر اینکه، مردان بدون تأمین زندگی و آینده زنان، آنان را طلاق می‌دهند و خود برای به دست آوردن اشتغال و درآمد به روسیه می‌روند و در آنجا مجدداً ازدواج می‌کنند تا بتوانند اجازه اقامت دائم به دست آورند.

درست به همان اندازه که ازدواج و صیغه شناخته شده است، جامعه ایرانی آن زمان طلاق را هم خوب می‌شناخت. طلاق بیشتر در مواردی اتفاق می‌افتد که زن به مردش خیانت کرده باشد. به گونه‌ای که اگر مرد زنش را هم‌خوابه با مردی دیگر ببیند، می‌تواند او را بکشد؛ اما از آنجا که اثبات این امر از طریق گواهان بسیار سخت است، طلاق را ترجیح می‌دهد (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۵۱). در گزارش این سفرنامه‌نویسان آمده که هر زمانی که مرد اراده کند می‌تواند زن خود را با پرداخت مهریه‌ای که از پیش و در روز عقد مقدارش تعیین شده است، پرداخت کند. به موجب قوانین ازدواج مرد ایرانی می‌تواند زنی را به طور قانونی از یک ساعت تا ۹۹ سال در اختیار داشته باشد و هر وقت لازم بداند، طلاق دهد (کارلاسرنا، ۱۳۷۲: ۲۱۴).

مردان ایرانی می‌توانند به اراده خود و بدون آنکه منعی در بین باشد زن‌هایشان را دوبار پشت سر هم طلاق دهند و اگر میلشان کشید دوباره رجوع کنند؛ اما در مرتبه سوم وضع به این آسانی نیست؛ زیرا برای اینکه زن بار دیگر به شوهرش تعلق بگیرد مجبور است به ازدواج مرد دیگر درآید، یک شب را با او بگذراند و سپس مطلقه شود. این موارد در واقع، بسیار نادرند؛ ولی بعضی اوقات به خصوص در خانواده‌های بزرگ پیش می‌آید و برای پیشگیری از نتایج سوء و ناخوشایند آن، شوهر زن سه‌طلاقه خود را به یک غلام می‌دهد و غلام در مقابل، مبلغ پولی متعهد می‌شود که شب را با این زن در حضور عده زیادی از دوستان بگذراند و روز بعد او را طلاق بدهد. این نوع زناشویی‌ها یک‌شبه، به دور از هرگونه تشریفاتی صورت می‌گیرد و زن و شوهر قبلی آزاد هستند دوباره با هم ازدواج کنند؛ ولی تا قبل از سه ماه نمی‌توانند هم‌بستر شوند. این موعده را قانون لازم تشخیص داده است؛ زیرا ممکن است از شوهر یک‌شبه‌اش باردار شده باشد زن‌هایی که مطلقه می‌شوند یا طلاق می‌گیرند، هرگونه حقی

ازدواج و طلاق در ایران عصر قاجار از منظر... \_\_\_\_\_ حسن مجربی و همکاران

را بر فرزندان خود از دست می‌دهند. در تمام موارد فرزند بدون توجه به جنسیت همیشه نزد پدرشان می‌ماند. می‌توان گفت که پدرها صاحب مطلق فرزندان هستند؛ زیرا در ایران اختیارات آن‌ها حد و مرزی ندارد. مرد ایرانی می‌تواند هر موقع که بخواهد زن را طلاق بدهد؛ اما زن‌ها فقط در سه مورد می‌توانند تقاضای طلاق کنند: اول اینکه بتوانند ثابت کنند که شوهرشان از دادن نفقه عاجز است. دوم اینکه به قید قسم اقرار کنند که شوهرشان تمایلات انحرافی دارد. سوم، اینکه سوگند یاد کنند شوهرشان توانایی جنسی ندارند. زن‌هایی که طلاق می‌گیرند، تمام جهیزیه، اشیا و جواهرات و به‌طور خلاصه، آنچه را شوهرشان به آن‌ها داده است با خود می‌برند و علاوه بر این حق مطالبه مهریه تعیین شده را دارند، مشروط به اینکه مجدداً درصدد ازدواج برنیابند (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۱۳ - ۱۱۴).

بررسی برخی از گزارش‌های سفرنامه‌نویسان نشان می‌دهد که آن‌ها شناخت کاملاً درستی از وضعیت ازدواج و طلاق نداشته‌اند و تنها به توصیف این امر بسنده کردند؛ برای نمونه، کلودآنه در سفرنامه خود آورده است که در اسلام مرد می‌تواند چند زن بگیرد؛ ولی اگر زنی دو بار ازدواج کند گناه بزرگی مرتکب می‌شود و طبق قانون اسلام باید سنگسار شود (آنه کلود، ۱۳۶۸: ۱۵۴). از آنجا که در شریعت اسلام سنگسار یا رجم حد زنا محصنه است و در خصوص مرد و زن زناکار تحت شرایط بسیار خاص احصان اعمال می‌شود (محمدبن مکی، ۱۳۷۷: ۱/۲ - ۲۲۴). بررسی گزارش کلودآنه از عدم شناخت درست وی از وضعیت ازدواج و طلاق و اجرای حکم سنگسار حکایت می‌کند.

### نتیجه

سفرنامه‌نویسان اروپایی که در دوره قاجار عازم ایران شدند، با ذکر مشاهدات و یادداشت‌برداری آن‌ها، مطالب ارزشمندی را در اختیار محققان تاریخ فرهنگی و اجتماعی دوره قاجار قرار داده‌اند. از جمله این اطلاعات ارزشمند می‌توان به مسائل مربوط به زنان و به‌ویژه ازدواج و طلاق در فرهنگ ایران عصر قاجار اشاره کرد. در مورد بررسی و تبیین این گزارشات، توجه به چند نکته الزامی است که در این مجال، به‌طور مختصر بدان پرداخته می‌شود.

۱. بیشتر سفرنامه‌نویسان اروپایی دوره قاجار، هر یک بنا بر دلیلی به تمامی نقاط ایران عصر قاجار مسافرت نکرده بودند. سفرنامه‌نویسان روس و انگلیسی بنا بر دلایل سیاسی هر کدام در قسمتی از ایران ساکن شده بودند و دیگر سفرنامه‌نویسان نیز بنا بر دلیلی که به ایران آمده

بودند، هر کدام در بخشی از ایران سکنی گزیدند و در میانشان آن‌هایی که توانستند قسمت بیشتری از ایران را ببینند، بسیار اندک بودند. نکته قابل تأمل این است که بیشتر این سفرنامه‌نویسان، گزارشات محدود خود را به کلیت مردم ساکن در این سرزمین نسبت داده‌اند. چنانچه شاهد مراسم خاصی بوده‌اند یا به باور مذهبی گروهی برخوردند، آن را با عنوان «در اسلام یا در ایران» ثبت کرده‌اند. بنابراین، شواهد می‌توان نتیجه گرفت، سفرنامه‌نویسان اروپایی بر اساس مشاهدات محدود، تعمیم‌های کلی در مورد فرهنگ ازدواج و طلاق در دوره قاجار در یادداشت‌های خود به ثبت رسانده‌اند.

۲. سفرنامه‌نویسان اروپایی بیشتر به توصیف ازدواج و طلاق در فرهنگ ایران دوره قاجار به‌ویژه آداب و رسوم ایرانیان در این امر پرداخته‌اند و حتی برخی از آن‌ها شناخت کامل و درستی از وضعیت ازدواج و طلاق به‌دست نیاورده‌اند.

### منابع

- آنه کلود (۱۳۶۸). *اوراق ایرانی (خاطرات سفر کلود آنه در آغاز مشروطیت)*. ترجمه ایرج پروشانی. تهران: معین.
- اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱). *سفرنامه اولیه، تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار*. ترجمه محمدطاهر میرزایی. به تصحیح و حواشی غلامرضا و رهام. تهران: اطلاعات.
- بیشاپ، ایزابلا برد (۱۳۷۵). *از بیستون تا زردکوه بختیاری*. ترجمه مه‌راب امیری. بی‌جا: آنزان.
- پاتینجر، هنری (۱۳۸۴). *سفرنامه پاتینجر (مسافرت سند و بلوچستان)*. ترجمه شاپور گودرزی. تهران: کتاب‌فروشی دهخدا.
- پولاک، ادوارد یاکوپ (۱۳۶۱). *ایران و ایرانیان*. ترجمه کیکاووس جهاننداری. تهران: شرکت سهامی خوارزمی.
- تورنتن، لین (۱۳۷۴). *تصاویری از ایران (سفر کلنل ف. کلمباری به دربار شاه) ۱۲۴۶ تا ۱۲۶۵* هـ. ق. ترجمه مینا نوایی. با مقدمه علی بلوکباشی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. ترجمه فره‌وشی (همایون سابق). تهران: امیر کبیر.
- دروویل، گاسپار (۱۳۷۰). *سفر در ایران*. ترجمه منوچهر اعتماد مقدم. تهران: شب‌اويز.

ازدواج و طلاق در ایران عصر قاجار از منظر... \_\_\_\_\_ حسن مجربی و همکاران

- شیل، لیدی (۱۳۶۲). *خاطرات لیدی شیل (همسر وزیر مختار انگلیس در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه)*. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: نو.
- فورو کاوا، نوبویوشی (۱۳۸۴). *سفرنامه فورو کاوا*. ترجمه هاشم رجبزاده. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کازاما، آکی یو (۱۳۸۰). *سفرنامه کازاما*. ترجمه هاشم رجبزاده. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کارلاسرنا (۱۳۷۲). *مردم و دیدنی‌های ایرانیا*. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: سپهر.
- کاساگوفسکی (۱۳۴۴). *خاطرات کنل کاساگوفسکی (۱۸۹۶)*. ترجمه عباسقلی جلی. تهران: کتاب‌های سیم‌رخ.
- کرزن، جرج ناتالین (۱۳۷۳). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: علمی فرهنگی.
- لایارد، هنری (۱۳۷۶). *سفرنامه لایارد، نبرد محمد تقی‌خان بختیاری با حکومت قاجاریه*. ترجمه محراب امیری. تهران: چاپ آنزان.
- محمد بن مکی (۱۳۷۷). *لمعه دمشقیه*. ترجمه و تبیین علی شیروانی. ج ۲. قم: دارالعلم.
- مک‌گرگور، سی (۱۳۶۶). *شرح سفری به ایالت خراسان*. ترجمه مجید مهدی‌زاده. مشهد: آستان قدس رضوی.
- موزر، هنری (۲۵۳۶). *سفرنامه ترکستان و ایران (گذری از آسیای مرکزی)*. ترجمه علی مترجم (مترجم مخصوص ناصرالدین شاه). به‌کوشش محمد گلبن. تهران: سحر.
- هاردینگ، آرتور (۱۳۷۴). *خاطرات سیاسی*. ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی. تهران: علمی فرهنگی.
- وامبری، آرمینیوس (۱۳۳۷). *سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه*. ترجمه فتحعلی خواجه نوریان. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ویشارد، جان (۱۳۶۳). *بیست سال در ایران*. ترجمه علی پیرنیا. بی‌جا: موسسه نوین.
- ویلز (۱۳۶۸). *ایران در یک قرن پیش؛ سفرنامه دکتر ویلز*. ترجمه غلامحسین قراگوزلو. بی‌جا: اقبال.
- ویلس، چارلز جیمز (۱۳۶۳). *تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجاریه*. ترجمه سید عبدالله انوار: تهران: زرین.
- Binning, R. B.M, (1857). *A Journal of Two Years Travel in Persia*. Ceylon e t c. Vol2. London: WM.H. Allen and Co. Leaden hall Street.
- Sykes, E. C. (1910). *Persia and its People*. New York, the Macmillan Company.

## Study of the status of marriage and divorce in Qajar era Relying on foreign travel logs

Hasan Mojarabi<sup>۱</sup>, Mehrdad Divsalar<sup>۲</sup>, Ali Golami Firozjaie<sup>۳</sup>

### Abstract

Reflections on the issue of marriage and divorce in Iran during the Qajar era and the kind of society's view of it relying on foreign travel logs Iran,

In period of Qajar, saw the presence of Europeans for various commercial, political, religious, military, and tourist destinations. A group of these Europeans recorded their daily observations in the form of travel logs. The Iranian folklore, including beliefs and beliefs, as well as the customs of the Iranian people of the Qajar era, can be viewed and extracted from the context of their notes. Travel writers for some reasons, such as the external look of Iranian society, Western curiosity, etc., have provided valuable material to researchers of the cultural and social history of the Qajar period. For example, the Iranian perspective on the cultural issue of marriage and divorce, which is one of the most significant aspects of the Iranian identity of the Qajar period, can be cited. The present research responds to the question of how European journalists from the Qajar era have drawn one of the most important customs of Iranians, namely marriage and divorce. The purpose of this paper is to examine the status of marriage and divorce and the expression of the value and position of the woman and the kind of society's view as one of the most important aspects of Iranian identity of the Qajar period from the viewpoint of Qajar periodical travel writers, which is based on descriptive-analytical method Travel logs are written.

**Key word:** foreign travelogues, Qajar women, marriage, divorce

---

<sup>۱</sup>Amin Police University

<sup>۲</sup> Ph. D Student of Gazvin univirsty

<sup>۳</sup>Gazvin univirsty